قیدی در ساخت «دسته دختران» چندان موفق نبود و شاید بهتر است بگوییم که اگر نیکی کریمی جایگزین لیلا حاتمی نمی‌شد، امروز می‌توانستیم از یک اثر قدری موفق یاد کنیم. به نظر می‌رسد بازی نیکی کریمی بی‌نهایت به فیلم «دسته دختران» آسیب وارد کرد و آن را به‌عنوان یک اثر ضعیف در تاریخ سینما به ثبت رساند

نگاهی به فیلم «دسته دختران» ساخته منیره قیدی؛

دسته دختران
دسته‌ای که از ویلایی‌ها جا ماند!

زینب رازدشت
روزنامه‌نگار

«جنگ چهره خشنی دارد و نمی‌توان بدون نشان دادن آن چهره خشن، از جنگ تحمیلی صحبت کرد.» این بخشی از صحبت‌های منیر قیدی کارگردان فیلم سینمایی «دسته دختران» است. راست می‌گوید، جنگ فی‌نفسه خشن است و با دیدنش قلب هر آدمی را به درد می‌آورد. این فیلم از جمله فیلم‌هایی بود که پس از پایانش حس غمگین بودن را خواهی داشت، آن سکانس‌هایی که جنازه‌ها روی هم تلنبار شده‌اند و با صدای جیغ دختر نوجوان پشت وانت، تلنگری به مخاطب می‌خورد که این چهره اصلی جنگ است. جنگ با کسی شوخی ندارد. جنگ تلخی دارد، غم دارد، غصه دارد، ویرانی دارد، بدبختی دارد... فیلم سینمایی «دسته دختران» دومین فیلم منیره قیدی است که پیش از آن فیلم «ویلایی‌ها» را ساخته بود. به زعم بسیاری از کارشناسان و حتی تماشاگران، این فیلم قوی‌تر از فیلم دومش بود و شاید بتوان اصطلاح «بخت تازه کارها» را برای قیدی به کار برد که بخت یارش بود تا در اولین ساخت فیلم بلندش موفق باشد. او در «ویلایی‌ها» توانسته بود با تمرکز روی داستان و شخصیت‌ها، کار خود را پیش ببرد. منیر قیدی حالا در «دسته دختران» اما بودجه بیشتری در اختیارش گذاشته شده و این بار در دل میدان جنگ می‌رود، زنانی که تفنگ به دست هستند و با آموزش‌های نظامی، دوشادوش دیگر سربازان از میهن خود دفاع می‌کنند. باید صادقانه گفت که قیدی در ساخت «دسته دختران» چندان موفق نبود و شاید بهتر است بگوییم که اگر نیکی کریمی جایگزین لیلا حاتمی نمی‌شد، امروز می‌توانستیم از یک اثر قدری موفق، یاد کنیم. به نظر می‌رسد بازی نیکی کریمی بی‌نهایت به فیلم «دسته دختران» آسیب وارد کرد و آن را به‌عنوان یک اثر ضعیف در تاریخ سینما به ثبت رساند.

البته منیر قیدی درباره جایگزین شدن نیکی کریمی گفت: درباره خانم حاتمی اطلاع‌رسانی کرده بودیم. ایشان به دلیل کرونا، از همراهی با پروژه انصراف دادند و مسأله پیچیده‌ای هم نبود. درباره خانم کریمی هم فکر می‌کنم یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌های سال‌های اخیر خود را داشته‌اند. وقتی فیلم را روی پرده می‌بینم، احساس می‌کنم چقدر بازی خانم کریمی در قیاس با بازی دیگر بازیگران به‌اندازه است و به خوبی از عهده نقش برآمده‌اند.

اساساً انتخاب غلط هنرپیشه فیلم بر سر معرفی نیکی کریمی به‌عنوان بازیگر اصلی این اثر، ضربه بدی به دسته دختران زده است. نیکی کریمی نه به یک فرمانده زن جنگی می‌خورد و نه سن و سال مناسبی برای ایفای نقش یک مادر جوان دارد. پیشینه داستانی او در فیلمنامه نیز از همه بدتر است و باعث شده که کریمی حتی اگر بخواهد هم نتواند از دل این کاراکتر، چیز دندان‌گیری به نمایش در بیاورد. ما مثلاً قرار است با کابوس‌های شخصیت او همراه شویم و برایمان سؤال ایجاد شود که گذشته او چیست در صورتی که در همان اولین کابوس و اولین دقیقه می‌توانیم بفهمیم پیشینه او چیست! کارگردان اما به خیال خود این چرخش داستانی را نگه می‌دارد و در دقایق پایانی راز آن را برملا می‌کند؛ رازی که همه درباره آن می‌دانند!

منیره قیدی درباره شخصیت داستان و اینکه چقدر بر اساس واقعیت است، گفت: ۱۰۰ درصد نیست اما صرفاً اینکه شخصیت از میان کتاب‌ها باشد هم نیست و همه کاراکترها ساختگی هستند.

وی افزود: فیلمسازی هستم که تا زمانی که احساس نکنم باید بسازم، وارد عمل نمی‌شوم. فشار کار بسیار سخت بود و از خدا می‌خواستم که به من عمر دهد تا فیلم را ادامه بدهم.

این کارگردان همچنین درباره اینکه آیا فیلم شما در بخش جلوه‌های ویژه تحت تأثیر تنگه ابوقریب است، گفت: الگوهای خیلی بهتری در جهان و ایران داریم، نمونه‌های خوبی از آن را سال‌های قبل آقای درویش و حاتمی کیا ساختند و با اینها کار کردم ولی من هم سعی کردم سینمای خودم را داشته باشم اما اگر قرار بوده الگو داشته باشم، تنگه ابوقریب نبوده است. ما درباره جنگ صحبت کردیم و باید صحنه‌های جنگی را نشان داد و من صحنه‌ای حماسی را نشان داده‌ام.

قیدی در پاسخ به این پرسش که چرا فیلم مقاومتی در حال فرار و سقوط تمام می‌شود، گفت: ما درباره شکست خرمشهر فیلم ساختیم. باید شهر در حال سقوط را نشان داد اما فیلم ما در مورد عشق، اتحاد و امید به آینده بود. همچنین پایان‌بندی فیلم درباره مفاهیم دیگری است.

او در ادامه گفت: به اندازه‌ای که وقت داشتیم تلاش کردیم به سرنوشت تمامی آدم‌های فیلم بپردازیم تا شکل گرفته باشند.

البته براساس گفته‌های منیره قیدی در رسانه‌های مختلف متوجه می‌شویم که او در زمان جنگ سن زیادی نداشته و هر چه از جنگ می‌داند از کتاب‌ها و آثاری است که مطالعه کرده است.

منیره قیدی پیش از کارگردانی، سال‌های مختلفی را در مقام دستیار کارگردان فعالیت کرده و شاید همین تجربیاتش در ساخت فیلم به او کمک کرده است تا بتواند سختی‌های بسیاری را متحمل شود و فیلمی در ژانر دفاع مقدس بسازد.

طی این سال‌ها فیلم‌های بسیاری را از سقوط و آزادسازی خرمشهر شاهد بوده‌ایم اما به نظر می‌رسد قیدی در فیلم دسته دختران سعی کرده است تا روایت جدیدی را در مقطع سقوط خرمشهر بیان کند. به نوعی او سعی کرده است تا داستان یک عشق را بگوید؛ عشق به وطن.

قیدی درباره اقتباس از فیلم یا کتاب عنوان کرد: «هیچ شخصیتی به‌طور مستقیم از کتاب یا ماجرا یا حقیقتی شکل نگرفته بود اما شخصیت‌ها برآوردی از مطالعات من هستند. همه کاراکترها ساختگی‌اند و باید بگویم که من تنها فیلم‌هایی را می‌سازم که به موضوع آن اشراف و احاطه داشته باشم.»

او ادامه داد: «ما فیلم‌های بسیاری داریم که در سینمای دفاع مقدس الگو می‌شوند اما من سعی می‌کنم سینمای خود را داشته باشم و اگر قرار باشد الگویی داشته باشم، آن الگو بی‌شک فیلم «تنگه ابوقریب» نیست.

قیدی درباره پردازش شخصیت‌های فیلم بیان کرد: فیلم ما کاراکترمحور نبود. وقتی درباره ۵ شخصیت صحبت می‌شود که هرکدام برای خودشان شخصیتی اصلی هستند، هر کدام زمان مخصوص به خود را نیاز دارند و من فکر می‌کنم به اندازه زمان فیلم به سرنوشت همه آثار پرداختیم.

البته کم نیستند فیلمسازانی که پس از تجربه فیلمسازی در حوزه دفاع مقدس، به‌دلیل دشواری‌ها و بی‌مهری‌هایی که مشاهده می‌کنند، از ادامه این مسیر دلسرد می‌شوند و ترجیح می‌دهند سراغ حوزه‌های موضوعی دیگر بروند. منیره قیدی بعد از حواشی «ویلایی‌ها» و شرایطی که تجربه کرد، انگیزه جدیدی را برای ادامه راه پیدا کرد و دسته دختران را رقم زد.

وی در این باره گفت: واقعیت این است که بعد از «ویلایی‌ها» من هم تصمیم نداشتم دیگر فیلم جنگی بسازم که دلیلش هم همان حواشی‌ای بود که به آن اشاره کردید اما مجموعه اتفاقی رخ داد که به سمت این قصه کشیده شده و آنقدر مجذوب آن شدیم که به نوعی می‌توان گفت قصه «دسته دختران» بود که خودش را به ما تحمیل کرد. اما ما داشتیم روی پروژه دیگری کار می‌کردیم که حین مطالعه یک سری کتاب برای تکمیل آن طرح، به این داستان برخوردیم که بدین ترتیب همه طرح‌های دیگر کنار رفت و تمرکزمان متوجه این قصه شد.